

تاریخ و تمدن اسلامی، سال دوازدهم، شماره بیست و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۷۷-۲۰۵

وسایل روشنایی در دوره قاجار و تأثیر تجددگرایی بر تحول آنها^۱

خاطره فهیمی^۲

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه پژوهش هنر، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مهتاب مبینی

استادیار گروه هنر، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

طراحی و تولید وسایل روشنایی در ایران با روندی یکنواخت از دوران باستان به دوره اسلامی رسید. هنرمندان ایرانی در این دوره چند صد ساله با بهره‌گیری از تجارب پیشینیان وسایل مجهزتر و زیباتری ابداع کردند. با تأسیس دولت قاجار که مقارن رودرویی جامعه سنتی ایران با مظاهر تمدن و پدیده‌های صنعتی اروپا بود، این وسایل دست‌خوش تحول و تکامل گردید؛ به‌ویژه با راهیابی نیروی گاز و برق اغلب وسایل روشنایی یا از زندگی مردم به درشد یا به ابزارهایی تزئینی بدل گشت. در این تحقیق بر پایه منابع اصیل و تحقیقات جدید و مطالعات میدانی، خاصه دو گنجینه آستان قدس رضوی و آستانه قم، پیشینه انواع این وسایل، سیر تداوم و تحول آنها و برخی آداب و رسوم مرتبط با آنها در عصر قاجار بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: وسایل روشنایی سنتی، تجدد ایران، دوره قاجار.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۹

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): kh_fahimi@yahoo.com

مقدمه

در دوره قاجار، روند تحولات حکومت و جامعه ایرانی، با اثرپذیری از شرایط کلی تحولات جهان، به گونه‌ای پیش رفت که همه ابعاد حیات اجتماعی و فرهنگی ایران را متأثر کرد. عواملی چون انقلاب فرانسه و پیشرفت‌های سریع علم و فناوری در غرب، اعزام دانشجویان به اروپا برای تحصیل علوم و فنون جدید و حضور هیأت‌های اروپایی در ایران، رواج صنعت چاپ در ایران، تأسیس مدرسه دارالفنون، و رفت‌وآمد متفکران و مبارزان ایرانی به قفقاز و استانبول و قاهره، در بیداری و نخواستگی ایرانیان و دگرگونی و رشد و گسترش صنایع نوین تأثیر فراوانی داشت. هم‌چنین اقدامات اصلاح‌طلبانه کسانی چون عباس‌میرزا، قائم‌مقام فراهانی، و سرانجام میرزاتقی‌خان امیرکبیر در جهت ترویج تربیت متخصصان ایرانی، حمایت از صنایع داخلی و مجهز کردن کارخانه‌های کشور به ابزارآلات جدید، راه را برای دگرگونی و نوگرایی در طراحی، ساخت، تولید، توزیع و مصرف کالاهای تولیدشده در هنرها و صنایع سنتی ایران باز کرد. در مجموع می‌توان گفت با آن‌که بسیاری از صنایع سنتی ایران در دوره قاجار بر اثر نفوذ کالاهای وارداتی و گسترش اقبال عمومی به مصرف آنها با بحرانی عمیق روبه‌رو بودند، برخی از صنایع در شهرهای مهم ایران نه تنها با حفظ جایگاه خود رونقی دوباره یافتند، بلکه حتی توانستند بهره‌وری و بازدهی‌شان را ارتقا بخشند. تولید وسایل روشنایی نیز به‌عنوان صنعتی که از یک سو با برخی هنرهای دستی کهن ایران، از جمله سفالگری، شیشه‌گری، و فلزکاری، مرتبط بود و از سویی دیگر با زندگی روزمره تمامی مردم در سطوح و طبقات مختلف جامعه، بی‌تردید از این تحولات برکنار و بی‌تأثیر نبوده است. اما این صنعت به‌سبب پیوند تنگاتنگ با زندگی عموم مردم، رونق و شکوفایی گذشته‌اش را تا حدی حفظ کرد و با وجود طراحی و تولید انواع وسایل و تجهیزات روشنایی با بهره‌گیری از طرح‌های نمونه‌های وارداتی، به سنت‌ها و ساختارهای پیشین ایرانی هم‌چنان وفادار ماند. امروز اندک نمونه‌هایی از این‌گونه آثار در موزه‌های ایران پراکنده

است؛^۳ اما بیشترین تجهیزات روشنایی بازمانده از عصر قاجار را در دو گنجینه آستان قدس رضوی در مشهد و آستانه حضرت معصومه در قم می‌توان یافت که همگی آثار وقف‌شده‌اند. اطلاعات مندرج در منابع مکتوب آن عصر نیز، اعم از تاریخ‌نامه‌ها، سفرنامه‌ها، و گزارش‌نامه‌ها، بسیار اندک و پراکنده است، چنان‌که مثلاً در گزارش‌های چندین سفر ناصرالدین-شاه و صاحب‌منصبانی چون عضدالملک و حکیم‌الممالک به خراسان و عتبات عراق، جز اشاراتی مختصر به اهدای چراغ به آستانه‌های مقدس، نکته‌ای نیامده است. در بین پژوهش‌های معاصر هم فقط فصلی از کتاب صنایع کهن در دوره قاجار، اثر ویلم فلور^۴ به وضع روشنایی در دوره قاجار اختصاص یافته است. بر این اساس، نویسندگان این مقاله می‌کوشند تداوم حیات وسایل روشنایی کهن و جایگزینی تدریجی آنها با تجهیزات نوظهور را با تشریح برخی نمونه‌ها از آثار بازمانده و نیز اطلاعات منابع و اسناد نزدیک به آن روزگار، بررسی و برخی آداب و پیشه‌های مرتبط با آنها را بازخوانی کنند. با نگاهی کلی می‌توان وسایل روشنایی دوره قاجار را در دو گروه سنتی و جدید دسته‌بندی کرد و نمونه‌های هر گروه را بر اساس نام و ساختارشان ذیل هر گروه گنجانند. بدین طریق، در کنار شرح ساختار و کارکرد هر گروه از آثار، با نام‌های اصیل این اشیا در دوره قاجار آشنا می‌شویم و روند تحول و تجدد این نام‌ها را در طول زمان پی‌گیری می‌کنیم.

۱. تجهیزات سنتی روشنایی

تا پیش از ورود مولدهای مدرن تولید روشنایی که به رواج چراغ‌های گازسوز و برقی منجر

۳. نگارنده نمونه‌های معدودی از وسایل روشنایی قاجار و اوایل دوره پهلوی را در موزه‌های محلی شهرهایی چون کاشان، بروجرد، و ساوه نیز مشاهده کرد، اما به‌سبب کیفیت پایین یا مشابهت با آثار دو گنجینه یادشده (سطور بعد مقاله)، از ارائه آنها پرهیز شد. شگفت این‌که مجموعه بزرگی چون موزه آگینه تهران از داشتن وسایل روشنایی دوره قاجار بی‌بهره است.

4. Willem Floor, *Tradition Crafts in Qajar Iran*.

شد، تقریباً تمامی وسایل روشنایی سنتی که ریشه در تاریخ چندهزارساله ایران داشت، هم‌چنان تولید و مورد استفاده عموم مردم واقع می‌شد. رایج‌ترین این وسایل عبارت بودند از پیه‌سوزهای سفالی و فلزی، چراغ‌پایه‌ها، شمع‌ها و شمعدان‌ها، قندیل‌ها، و چلچراغ‌های جسیم که سابقه‌ای به قدمت تاریخ ایران داشتند. نکته قابل ذکر این‌که در نوع سوخت این تجهیزات هم چندان تغییری نسبت به گذشته ایجاد نشد و هم‌چنان روغن گیاهانی چون کرچک، کنجد، بزرک، کافشه/کاجیره، و پیه و چربی حیوانی بخش مهمی از سوخت مورد نیاز برای روشنایی را تأمین می‌کردند.

پیه‌سوزها: در این دوره چون گذشته، ساده‌ترین و ارزان‌ترین وسایل روشنایی پیه‌سوزها بودند. عبدالله مستوفی در جمله‌ای کوتاه اما گویا ساختار و طرز کاربرد پیه‌سوزهای قاجاری را این‌گونه وصف کرده است: «چراغ آنها از روغن کرچک و چراغدان آنها از گل پخته لعاب‌زده و فتیله چراغشان مقداری پنبه بود که با دست خوب تاب داده بودند».^۵

در طراحی و ساختار و حتی تزئینات پیه‌سوزهای دوره قاجار ردپای سنتی دوهزارساله را می‌توان تشخیص داد که از دوره هخامنشیان و حتی پیش‌تر تولید این چراغ‌ها تداوم داشت. جنس این اشیا هم‌چون گذشته غالباً یا از سفال بود یا از فلزاتی نظیر مس، مفرغ، نقره، و طلا. در نمونه‌ای کم‌نظیر (تصویر ۱)، تأثیر پیه‌سوزهای دوره هخامنشی را آشکارا می‌توان دید (تصویر ۲). کاسه‌گود این پیه‌سوز قاجاری که باید آن را مخزن سوختش در نظر گرفت، به دهانه‌ای باریک منتهی شده که محل استقرار فتیله مشتعل است. هم‌چنین دسته‌ای باریک از میانه پشت مخزن به لبه صفحه‌ای مقعر متصل شده که حمل این پیه‌سوز را بسیار آسان می‌کند. اگرچه در نگاه اول به نظر می‌رسد صنعتگر عصر قاجار با افزودن این قسمت‌ها به این وسیله، از صنعتگر عصر هخامنشی گامی فراتر نهاده است، باید توجه داشت که غالب پیه‌سوزهای دوره هخامنشی به صورت شکسته و ناقص به دست ما رسیده‌اند و احتمال این‌که آنها نیز از چنین قسمت‌هایی برخوردار بوده باشند، منتفی

نیست؛ چنان‌که بعید نیز می‌نماید صنعتگران عصر قاجار با ساخته‌های دوره هخامنشی مستقیماً آشنا بوده و این اشیا را از روی الگوهای متأخرتر طراحی کرده باشند.

آن‌گونه که پیداست، در دوره قاجار پیه‌سوزها، چه در منازل اشخاص و چه در مکان‌های عمومی هم‌چون گذرگاه‌ها و معابر، کاربردی گسترده و انواعی متنوع داشته‌اند.^۶ مونس‌الدوله، از ندیمان حرم‌سرای ناصرالدین‌شاه، درباره کاربرد پیه‌سوز در حمام‌های عهد قاجار چنین روایت کرده است: «همین که توپ افطار به‌صدا درمی‌آمد، خانم‌ها افطار می‌کردند و رو به حمام راه می‌افتادند و تا موقع سحری خوردن توی حمام بودند. چراغ نفتی، یعنی لامپا، به حمام نمی‌بردند چون لوله‌اش می‌ترکید. خانم‌های باسلیقه چراغ‌های گلی با فتیله و روغن کرچک، یا این‌که شمع‌های بزرگ روشن می‌کردند که توی حمام پیش پای خودشان را ببینند».^۷

شمع و شمعدان: در طول تاریخ ایران، به‌ویژه در دوران اسلامی، شمع به سبب قیمت ارزان و در دسترس بودن، همواره از پرکاربردترین وسایل روشنایی بوده است. حضور چشم‌گیر شمع در حیات فردی و اجتماعی ایرانیان چندان بوده که از دیرباز عمیقاً در ادبیات فارسی ریشه دوانیده و تقریباً در اشعار همه شاعران پارسی‌گو از آن سخن رفته است. ردّ و نشان این شیء خیال‌انگیز را حتی در اعتقادات مذهبی و باورهای سنتی مردم ایران نیز می‌توان به‌خوبی پی گرفت. جعفر شهری درباره کاربرد شمع در تهران سده سیزدهم هجری چنین آورده است: «شمع عبارت از وسیله‌ای بود ساخته‌شده از پیه و چربی امعاء و احشاء احشام که ذوب شده، فتیله‌ای در وسطشان قرار داده شده، روشن می‌گردید؛ در اندازه‌هایی از یک و جب به بالا تا قامت یک انسان بالغ که کوچک‌هایشان در لاله جا داده شده یا به تنهایی روشن

۶. شهری، ۸۳.

۷. مونس‌الدوله، ۱۵۴.

می‌شد و بزرگ‌ها و بلندهایشان که به اسم «شمع قدی»^۸ نامیده می‌شد جهت مجالس و اتاق‌های بزرگ و تالارها و مجالس روضه‌خوانی و روشنایی مساجد و تکایا که به اندازه لازم در وسط و گوشه‌کنار آن روشن می‌کردند و هم‌چنین وسائل نذر امام‌زاده‌ها و مراقد و معابد که در شمعدان‌های آنها روشن می‌شدند، که البته باریکی و کلفتی فتیله‌هایشان نیز به تناسب باریکی و ضخامت شمع‌ها بود که از ریسمانی به نام «نخ پَرک»^۹ که مساوی ریشه قالی‌نخ-فرنگ بود، شروع شده تا به طناب می‌رسید. شمع‌هایی که نذری‌هایشان را به مجرد روشن نمودن در جاشمعی و چراغ‌لاله‌های امام‌زاده‌ها، توسط متصدی و متولیان خاموش و ر بوده شده برای فروش در جعبه‌های جاشمعی می‌افتاد و دست‌نخورده‌هایشان که تحویل متولیان می‌شد، به همان صورت کنار گذاشته شده به فروش مجدد می‌رسید، مگر صاحب نذر خود روشن نموده تا اتمام آن بالاسرش ایستاده، یا به قیمت خود شمع، نیازی به متولی بدهد، اگرچه باز تا دورشدن خاموش می‌شدند.^{۱۰}

ظاهراً شمع‌سازی در این روزگار پیشه‌ای رایج بوده و دست‌اندرکاران آن را شمع‌می‌خوانده‌اند. حتی به نظر می‌رسد اتحادیه یا صنف خاص شمع‌اعان وجود داشته و شخصی هم رئیس آن بوده است، در یکی از گزارش‌های نظمیته تهران در حدود سال‌های ۱۳۰۳-۱۳۰۵ ق چنین آمده است: «دیشب هفت ساعت از شب گذشته، پلیس‌های گردشی شخصی را که بدون اسم شب و بلیط بوده دیده، نزد رئیس محله می‌برند. معلوم می‌شود که مشارالیه، آقامحمدجعفر، کدخدای شمع‌ها، است و در خانه بستگانش میهمان بوده».^{۱۱}

۸. چنان‌که از اسمش پیداست، شمع‌هایی است به اندازه قد انسان به قطر درختی دو-سه‌ساله که در پایه‌های چدنی سنگین سینی‌دار جا داده می‌شد و اشک‌هایش در سینی می‌ریخت. نوع کامل آنها، شمع‌هایی است یک‌ونیم برابر قد آدمی که در دو طرف مزار زکریای پیامبر(ص) در پایه‌های برنزی، هدیه یکی از سلاطین عثمانی، در مسجد اموی دمشق قرار دارد.

۹. نخ‌هایی مانند تار قالی، رشته‌های گلیم، و جاجیم، از جنس پنبه.

۱۰. شهری، ۸۱-۸۲.

۱۱. گزارش‌های نظمیته از محلات طهران، ۲۵۲/۱.

بررغم استفاده گسترده از شمع، نمونه‌های زیادی از شمعدان‌های دوره قاجار به جا مانده یا دست‌کم در دسترس عموم قرار نگرفته است. با این حال، به نظر نمی‌رسد که در طرح و ساختار شمعدان‌های این دوره تغییر نوآورانه‌ای نسبت به آثار دوره‌های پیش رخ داده باشد، بدین معنا که باید بیشتر در پی تداوم طرح‌های گذشته، به‌ویژه شمعدان‌های دوره صفوی، در این دوره بود. دو شمعدان شاخص برنجی از دوره قاجار که در موزه آستان قدس رضوی در مشهد نگهداری می‌شود (تصویر ۳)، به‌وضوح تداوم طرح و ساختار شمعدان‌های استوانه‌ای عصر صفوی را نشان می‌دهند. ارتفاع بلند و جاشمعی ستبر این دو شمعدان به‌خوبی معلوم می‌کند که نمونه‌هایی از شمع‌های قدیمی پیش‌گفته در آنها قرار می‌گرفته است. شمعدان بزرگ‌تر با جاشمعی قطور استوانه‌ای که ارتفاع میانی آن به صورت چندوجهی درآمده و از پایین به پایه‌ای مدور منتهی شده، سراسر دارای تزیینات اسلیمی مشبک است. در قسمت فوقانی جاشمعی، کتیبه‌های کوچکی به خط نستعلیق در میان تزیینات اسلیمی به‌چشم می‌خورد. در شمعدان کوچک‌تر، طرح مارپیچ ارتفاع میانی، فضای باقی‌مانده برای تزیین را به پایه و رأس شمعدان محدود کرده است. با این حال، این شمعدان نیز در همان فضای محدود، از تزیینات اسلیمی مشبک و کتیبه‌های نستعلیق بی‌نصیب مانده است. حتی می‌توان گفت که خط نستعلیق این کتیبه‌ها خوش‌تر از کتیبه‌های شمعدان پیش‌گفته است.

چراغدان (قندیل و چلچراغ): از میان تجهیزات روشنایی سنتی دوره قاجار، چراغدان‌های این دوره بیش از تمامی دیگر تجهیزات، به‌دست ما رسیده‌اند. چراغدان یا قندیل و چلچراغ که می‌توان آنها را معادل لوستر^{۱۲} در فرهنگ و زبان‌های غربی دانست، از دیرباز در فرهنگ اسلامی از آن رو دارای اهمیت بود که غالباً در مساجد و بناهای دینی دیگری چون مقابر و زیارتگاه‌ها به کار می‌رفت. بنا به گزارش‌های مکرر منابع و اسناد، رسم دیرین اهدای قندیل و چلچراغ به عتبات و بقاع متبرک در دوره قاجار رونقی چشم‌گیر یافت،

چنان‌که عضدالملک در شرح سفرش به عتبات در ۱۲۸۳ هـ، سه بار از چلچراغ‌های اهدایی ناصرالدین‌شاه به آستانه‌های مقدس امام علی (ع)، امام حسین (ع)، و امامین عسکریین در نجف و کربلا و سامرا یاد کرده است.^{۱۳} هم‌چنین بروگش^{۱۴} آلمانی در سفری که در نیمه‌های سده نوزدهم به قم کرد، از حدود چهارصد قندیل طلا در حرم و شبستان حضرت معصومه (س) سخن گفته که بیشتر آنها جواهرنشان بودند.^{۱۵} در این زمان پیشه و منصب چراغچی یا چلچراغچی که وظیفه‌اش افروخته داشتن و رسیدگی به قندیل و چلچراغ بود، چندان اهمیت یافت که موجب ایجاد حس رقابت و حتی حسادت و دسیسه‌چینی کسانی شد که در پی دستیابی به این منصب بودند. رسم بر این بود که چراغچیان سالانه مبلغی را با عنوان وجه یا صرف روشنایی از وزارت بقایا دریافت و خرج نگهداری از چراغ‌های بقاع متبرک می‌کردند.^{۱۶} در دوره قاجار سایر بناهای عمومی را هم با قندیل و چلچراغ می‌آراستند^{۱۷} و حتی خارجیان حاضر در ایران هم مشتری آنها بودند و بدین جهت تجار ایرانی به خرید و فروش این چراغ‌ها رغبت نشان می‌دادند. در سندی متعلق به حاج ابوالقاسم ملک‌التجار، برادر حاج محمدحسن امین‌الضرب، مورخ به ۱۲۹۹ هـ درباره قیمت‌گذاری یکی از این چلچراغ‌ها چنین آمده است: «در باب چلچراغ‌های حضرات والا که حمل فرموده‌اید، بعد از رسیدن تحویل داده می‌شود. یک چلچراغ هشت‌لاله، مال حاجی محمدرحیم اصفهانی، در پیش روی مبارک او پختم [؟] جویای قیمت شدند، عرض نمودم شصت لیره، گویا خرید داشته باشد، ده لیره هم مخارج برمی‌دارد تا اینجا وارد شود. مأخذ در دست داشته باشد ضرر ندارد. دوازده لاله که معلوم است، اگر لاله آنها کلی

۱۳. عضدالملک، ۱۵۴، ۱۶۱، ۱۹۴.

14. Brugsch

۱۵. بروگش، ۵۳۹.

۱۶. برای آگاهی بیشتر و مشاهده گزارش‌ها و اسناد متعدد درباره منصب چراغچی، نک. بختیاری، «منصب چراغچی‌باشی در عتبات عالیات».

۱۷. فلور، ۱۸۱.

یکدست باشد به طریق اولی».^{۱۸}

در نمونه‌ای از چراغدان‌های دوره قاجار قندیل بزرگی به چشم می‌آید که بدنه استوانه‌ای حجیم آن با درپوشی گنبدی‌شکل روی پایه‌ای قطور که حجم آن تنها اندکی از بدنه کمتر است، قرار گرفته (تصویر ۴)؛ سرتاسر بدنه و درپوش و پایه برنجی این چراغدان با طرح‌های گیاهی و هندسی متقارن مشبک تزئین شده و به نقاطی از آن حلقه‌هایی وصل شده که زنجیری بلند از میان آنها گذشته است. در مجموع می‌توان گفت که این چراغدان با همه زیبایی و توازنش، نسبت به سایر نمونه‌های بازمانده از دوره قاجار ظرافت و زیبایی کمتری دارد.

دو نمونه دیگر از چراغدان‌های دوره قاجار، قندیل‌های زرین سقف‌آویزی‌اند که زیبایی و ظرافت آنها در بین تجهیزات روشنایی تمام دوره‌های تاریخ ایران کم‌نظیر است. یکی از این قندیل‌ها (تصویر ۵) که در ۱۲۶۰ هجری به دست مهدی‌قلی قاجار وقف حرم امام رضا (ع) در مشهد شد، بدنه‌ای سراسر از طلا دارد که با نقوش برجسته‌کاری و کتیبه‌هایی به خط نستعلیق زینت یافته است. متن کتیبه‌ها که در گرداگرد بدنه این چراغدان تکرار شده، چنین است: لا اله الا الله، محمد رسول الله، امیرالمؤمنین علی ولی الله، فاطمة الزهراء سیده النساء العالمین، والحسن المجتبی ابو محمد، و ابو عبدالله الحسین سیدالشهدا.

در چراغدان دوم (تصویر ۶) ردیف‌های سرتاسری عقیق‌های ترصیع شده بر ارتفاع بدنه، جلوه‌ای چشم‌نوازتر به ساختار اثر بخشیده‌اند. ردیف‌هایی از عقیق‌های سبز و قرمز رنگ نیز به دور قسمت‌های پایین و بالای چراغدان حلقه زده‌اند. در میان دو حلقه از عقیق‌های سبزرنگ در پایه و رأس چراغدان، کتیبه‌هایی به نستعلیق روی زمینه سرمه‌ای رنگ و در میان نقوش اسلیمی طلایی با گل‌های قرمز به چشم می‌خورد. متن کتیبه بالایی این مصرع است: «مهری تو نه کز مهر جهان‌آرایی»، و متن کتیبه زیرین عبارتی است گویای وقف این

۱۸. خراسان در اسناد امین‌الضرب، ۳۶۷.

چراغدان به حرم حضرت معصومه (س): «مرقد منور بضعه احمدی علیها و علی آبائها السلام». در کتیبه فیروزه‌ای رنگ و کوچک کنار آن نیز نوشته شده «فی سنة ۱۲۳۰» که احتمالاً تاریخ ساخت یا وقف این اثر است.

تقریباً تمام چلچراغ‌های بازمانده از دوره قاجار، از نوع میله‌دار با پایه‌های مدورند. در نمونه‌ای از این گروه، چلچراغی ظریف با طرح و ساختاری یکدست را می‌بینیم (تصویر ۷). میله بلند این اثر در پایین، میانه، و بالا به سه حجم دایره‌شکل اتصال یافته که به ترتیب عبارت‌اند از پایه مدور دوطبقه، مخزن مدور میانی با شعاع بیشتر و عمق کمتر با شش جاقتیله‌ای، و مخزن بالایی با شعاع کمتر و عمق بیشتر با چهار جاقتیله‌ای. الگوی تاریخی این چلچراغ را می‌توان شمعدانی مفرغی از حدود سده ششم هجری دانست که به همین سیاق از میله‌ای متشکل از گوی‌های تزیینی و سه حجم مدور با فاصله‌های تقریباً یکسان در طول آن ساخته شده است (تصویر ۸).

آخرین این نمونه‌ها چلچراغی برنجی با ۱۰ جاشمعی است (تصویر ۹) که به صورت میله‌های منحنی با شاخک‌های قلاب‌مانند، از بالا تا پایین به میله بلند مرکزی با پایه‌ای مخروطی متصل شده‌اند. این اثر از معدود وسایل روشنایی دوره قاجار است که نام سازنده و واقف و تاریخ ساختش را می‌دانیم. این اطلاعات که با ظرافت، اما به خط نه‌چندان زیبایی نستعلیق روی پایه اثر حک شده، بیان می‌کند که «حاجی حسین بن مشهدی اکبر طهرانی» آن را در ۱۲۶۹ هـ، در دوره حکومت ناصرالدین‌شاه، ساخته و «خیرالْحُجَّاجِ حَاجِی مُحَمَّدِرَحِیمِ» وقف روضه مقدسه حضرت معصومه (س) کرده است.

۲. وسایل روشنایی جدید

پیش از آن‌که انرژی‌های جدید گاز و برق به مهم‌ترین سوخت‌های روشنایی ایرانیان تبدیل شود، تحولی دیگر رخ نمود، یعنی جایگزین شدن تجهیزات روشنایی سنتی و کهن این سرزمین با وسایلی نوظهور که غالباً ره‌آورد ارتباط و تبادل با ممالک خارجی، به‌ویژه اروپا، بود؛ وسایلی

چون انواع چراغ‌های موشی و زنبوری، لامپا، فانوس‌های آویز (لنتر)، چراغ‌های فتیله‌ای و گردسوز فلزی با لاله‌های موسوم به بلور بارقتن. بیشتر این وسایل جدید یا از کشورهای اروپایی و هند و چین وارد می‌شد یا با تأثیرپذیری از ساختار و تزئینات آنها، به دست صنعتگران ایرانی، اعم از فلزکار و سفالگر و شیشه‌گر، تولید می‌شد. بر این اساس، می‌توان گفت ارتباطات فرهنگی و تجاری و اقتصادی ایران با کشورهای دیگر، به‌خصوص کشورهای اروپایی، بر طراحی و تولید تجهیزات روشنایی دوره قاجار تأثیری مستقیم گذاشت. رواج این وسایل را در گزارش‌های اروپاییان حاضر در ایران یا ایرانیانی که به اروپا می‌رفتند به‌روشنی می‌توان دید. گفتنی است این وسایل که در آن زمان در کشور ما نوظهور بودند، در خاستگاه‌های اصلی‌شان رفته‌رفته منسوخ می‌شدند و جایشان را به تجهیزات مدرن روشنایی می‌دادند. با این همه، ساخت و رواج این وسایل در ایران حدود یک قرن روشنایی مردم را تأمین و در صنعت و هنر سنتی ساخت وسایل روشنایی تحولاتی گسترده ایجاد کرد.

چراغ موشی: چراغ موشی یکی از ساده‌ترین و ارزان‌ترین وسایل روشنایی بود که با روغن بیه، روغن زیتون، یا روغن گیاه منداب کار می‌کرد. این چراغ از یک منبع روغن‌دان و یک فتیله نخی دراز تشکیل می‌شد که به‌سبب شباهت این دو بخش به پوزه موش، به آن چراغ موشی می‌گفتند.^{۱۹} از بررسی اندک نمونه‌های باقی‌مانده چراغ موشی‌های دوره قاجار، تأثیر هنر غرب، به‌ویژه در تزئینات و نقوش، پیداست؛ یکی از آنها چراغ موشی تقریباً بی‌نقصی است با مخزن سرامیکی سفیدرنگ، شعله‌دان (جافتیله‌ای) برنجی، و حباب شیشه‌ای (تصویر ۱۰). مخزن کوچک و گلدانی‌شکل این چراغدان به‌شدت متأثر از ظروف سرامیک چینی است که در دوره قاجار به‌وفور از چین و کشورهای غربی به ایران سرازیر می‌شد. حتی نقش گل قرمز و گلبرگ‌های سبز و آبی آن نیز کاملاً برگرفته از نقش گل‌هایی

است که از اوایل قرن نوزدهم در صنایع دستی کشورهای اروپایی به کار می‌رفت. ظاهر ساده و کوچک این چراغ موشی نمایانگر کاربرد خانگی آن است.

چراغ زنبوری (چراغ توری): بر خلاف چراغ موشی که تا حدی ریشه در چراغ‌های سنتی ایران، به‌ویژه پیه‌سوزها، داشت، چراغ زنبوری وسیله‌ای بود که مشخصاً از غرب وارد ایران شد و ساختار و ساز و کاری کاملاً غیر ایرانی داشت. یکی از اجزای مهم این چراغ‌ها، تلمبه دستی بود که نفت را به درون مخزن سربسته می‌فرستاد. مسلم است که چراغ‌های زنبوری را نمی‌توان در زمره چراغ‌های هنری و تزئینی جای داد، چرا که ساختار فنی و مکانیکی آنها به قدری پیچیده است که صرفاً برای تولید نور از آنها استفاده می‌شد. اجزای مختلف یک چراغ زنبوری را می‌توان در تصویر ۱۱ مشاهده کرد. البته نمونه‌هایی از چراغ‌های زنبوری با حباب بارفتن هم از دوره قاجار به جا مانده که در بخش چراغ‌های بلور بارفتن از آنها سخن خواهیم گفت.

چراغ لامپا: شاید بتوان چراغ‌های نفتی و فتیله‌دار لامپا را پرکاربردترین وسایل روشنایی دوره قاجار دانست. این چراغ‌ها به سبب نور کافی و نیز ساختار زیبا و مهم‌تر از همه ارزانی و سهولت دسترس، در عصر قاجار، هم در منازل و هم در مکان‌های عمومی کاربرد گسترده داشتند. در این چراغ‌ها ترکیبی زیبا از هنرهای فلزکاری، سرامیک‌سازی، و شیشه‌گری را می‌توان دید؛ مثلاً چراغ لامپای تصویر ۱۲ بی‌تردید شاهکاری از درآمیختن دو هنر سرامیک‌سازی و فلزکاری عصر قاجار است. در این اثر می‌بینیم که دو صنعتگر فلزکار و سرامیک‌ساز هنر خود را به تناوب روی هم سوار کرده‌اند؛ حتی فتیله‌دان برنجی نیز در رأس این لامپا از تزئینات مشبک‌کاری ظریف بی‌نصیب نمانده است. جدا از بدنه خوش‌ساخت و پرظرافت مخزن چراغ، لعاب منقوش آبی و سفید آراسته با گل‌های سفید و گلبرگ‌های سبز، زیبایی آن را دوچندان کرده است. اما قسمت فوقانی پایه بلند این لامپا را نمونه‌ای از هنر فلزکاری عصر قاجار باید شمرد. انبوه آرایه‌های تزئینی این قسمت به‌وضوح متأثر از

سرستون‌های سبک کورنتی^{۲۰} در معماری یونان باستان است. تداوم طرح و نقش مخزن سوخت را در ادامه پایه بلند که در امتداد بخش فلزی فوقانی قرار گرفته است، می‌توان دید. هنرمند سرامیک‌ساز که در اینجا مجال بیشتری برای هنرنمایی داشته، لعاب آبی‌رنگ بخش بالایی را در لعاب سفید قسمت پایینی محو کرده و روی آن را با نقش گل‌های طرح فرنگی آراسته است.

در یکی دیگر از لامپ‌های نفیس این دوره، هم‌اوردی هنرمندان فلزکار و شیشه‌گر را می‌بینیم (تصویر ۱۳). مخزن شیشه‌ای این چراغ با رنگ ارغوانی ملایمی مزین به گلبرگ‌های ظریف زردرنگ، از بالا به فتیله‌دان برنجی متصل و از پایین روی پایه‌ای مجلل استوار گشته است. بی‌گمان این پایه بهترین نمونه تجلی شکوه هنر قاجار در به هم آمیختن عناصر فرنگی با سلیقه خاص ایرانی است. فلزکار در قسمت تحتانی پایه از تزینات برجسته‌کاری با نقوش منحنی استفاده کرده که بی‌شبهت به نقوش ایران باستان، به‌ویژه هنر عصر ساسانی، نیست. در مجموع این پایه چراغ را باید نماد تمام‌عیار وفاداری هنرمند ایرانی عصر قاجار به میراث هنر ایران و آمیختن آن با طرح‌های فرنگی پسند روزگار حیاتش به حساب آورد.

گویا کاربرد این‌گونه چراغ‌ها چنان با زندگی مردم درآمیخته بود که رسم و آدابی خاص برای روشن و خاموش کردن آنها وضع کرده بودند و اکثر مردم این آداب را معمولاً به‌جا می‌آوردند. در کتاب طهران عهد ناصری درباره این آداب چنین نقل شده است: «روشن کردن چراغ در دارالخلافه آداب و رسومی داشت، وقتی [که] آنها را نفت‌گیری و تمیز می‌کردند با سلام و صلوات کبریت بر آنها می‌زدند و هنگام بالا کشیدن فتیله آنها باز صلوات فرستاده و به شاه‌چراغ، که مقصود شاه‌چراغ شیراز است، درود می‌فرستادند. وقتی در دکان‌ها چراغ را روشن می‌کردند، همه مشتریان با صدای بلند صلوات می‌فرستادند و از جمله رسم و رسوم و آداب این بود که هر کس تا یکی دو ساعت از شب گذشته وارد دکانی می‌شد، می‌باید بگوید «چراغت روشن» و صاحب دکان جواب می‌داد «چراغ عمرت روشن». و صاحب

دکان‌ها معمولاً اولین مشتری را که سرشب جنس می‌خرید و پول می‌داد، آن را پول سرچراغ می‌گفتند.^{۲۱}

فانوس آویز (لنتر): در یک تعریف کلی فانوس را می‌توان چراغ محفظه‌داری تعریف کرد که مردم دوره قاجار بیش‌تر برای رفت و آمد به همراه خود می‌بردند یا جهت روشن کردن معابر عمومی، از بالای بلندی دیوارها یا مناره‌ها می‌آویختند. چند گزارش تاریخی هم از کاربرد رایج فانوس‌ها در منازل و مکان‌های عمومی دوره قاجار در دست است؛ مثلاً در کتاب طهران عهد ناصری در این زمینه چنین آمده است: «در دارالخلافه در خانه‌ها و اماکن از انواع چراغ‌ها استفاده می‌کردند. مهم‌تر از همه که پرنورتر از دیگران بود، «لنتر» های نمره سی بود که با رکابی از سقف می‌آویختند و حبابی از چینی یا بلور رنگ‌دار داشت. . . فانوس‌های شیشه‌دار و نفت‌سوز و پارچه‌ای شمع‌سوز که اولی را فانوس بغدادی و دومی را فانوس شمعی می‌گفتند، از جمله وسایل روشنایی بود که برای عبور از کوچه‌ها و کشیدن جلو اسب و الاغ روضه‌خوان‌ها و پیشاپیش اعیان و رجال و علما به کار می‌آمد».^{۲۲}

کاربرد فانوس در این دوره تا جایی پیش رفت که پیشه‌ای به نام «فانوس‌کشی» ایجاد شد. در گزارشی می‌خوانیم: «میهمانان همین که شام می‌خوردند و قلیان بعد از شام را می‌کشیدند، هر وقت شب بود، به خانه‌هایشان برمی‌گشتند. آن وقت‌ها که کوچه‌ها چراغ نداشت، فانوس یا لاله جلو خانه‌ها می‌کشیدند و «فانوس‌کش»‌ها اسم شب، یعنی جواز عبور، داشتند که به گز مه‌ها می‌گفتند و رد می‌شدند».^{۲۳}

در طراحی و حتی نوع استفاده از فانوس‌ها در دوره قاجار ردپای سنتی اروپایی، به‌ویژه انگلیسی، را آشکارا بتوان پی‌گیری کرد. دو روایت زیر که اولی از یک ایرانی در لندن و دومی از یک انگلیسی در تهران است، این مطلب را به خوبی روشن می‌سازد. در روایت نخست

۲۱. نجمی، ۳۷۴.

۲۲. همو، ۳۷۳-۳۷۴.

۲۳. مونس‌الدوله، ۵۶.

که بخشی از سفرنامه میرزا صالح شیرازی به لندن است، چنین می‌خوانیم: «کوچه‌های لندن اکثر موافق قرینه ساخته‌اند، به این معنی که خانه‌ها قرینه به یکدیگرند . . . و از هر طرف کوچه به فاصله شش ذرع الی ده ذرع چراغی در فانوس شیشه در بالای دروب [در خانه‌ها] گذارده‌اند که همه شب می‌سوزد و مدت ده سال است که از دود ذوغال زمین چراغ‌ها ساخته‌اند که در دکان‌ها دودها را از آنها روانه کرده که بسوزد و بالفعل در کوچه معظم چراغ‌ها را از دود ذوغال روشن می‌کنند. و از خارج لندن در هر راه چند میل چراغ در میانه فانوس روشن است».^{۲۴}

چارلز جیمز ویلس^{۲۵} هم درباره روشنایی فانوس‌ها در معابر تهران عهد قاجار این‌گونه می‌نویسد: «در تهران فقط یک خیابانی ساخته شده است که قدری شباهت به کوچه‌های اروپا دارد و آن کوچه وسیع و در دو طرفش پیاده‌رو ساخته شده است و قسمت سفلاهی آن کوچه به یک نوع سنگفرش مفروش است. خیابان مزبور بهترین تمام کوچه‌های ایران و موسوم به خیابان سفرا گردیده است. سابقاً تمام آن کوچه در اوقات شب به واسطه شمع‌های گچی که در فانوس‌های حلبی می‌گذارده‌اند روشن می‌شد... در سابق ایام هر روز در وقت غروب آفتاب، شمع‌های مزبور به واسطه یک طفلی روشن می‌شد که او اول بر بالای یک سه‌پایه چوبی رفته و یک‌یک چراغ‌ها را روشن می‌کرد».^{۲۶}

از این‌گونه فانوس‌ها دو نمونه نقره‌ای مشابه در موزه آستان قدس رضوی هست که تزیینات مفصل حکایت از کاربرد اشرافی آنها دارد (تصویر ۱۴). بدنه مکعب‌شکل این فانوس‌ها با چهارچوب طاق‌نما که در بالا به سطحی گنبددار منتهی می‌شود، یادآور ساختمان مقابر است که نمونه‌های آنها در معماری اسلامی ایران کم نیست. در چهارگوشه این گنبد چهار میله ظریف خمیده به حلقه‌ای در بالا متصل شده که امکان آویختن این فانوس را فراهم کرده است. در مرکز قاعده مکعب، میله کوتاه ضخیمی نصب شده که محل

۲۴. شهری، ۲۷۸.

25. Charles James Wills

۲۶. ویلس، ۶۹.

فروکردن شمع بوده است. تقریباً سرتاسر بدنه و گنبد این فانوس پوشیده از انواع تزیینات مشبک و برجسته‌کاری زیبا و ظریف است. حتی روی انحنای میله‌های آویز آن نیز طاووس‌های تزیینی کوچکی نصب شده است.

چراغ گردسوز با لاله بلور بارفتن:^{۲۷} بر اساس شواهد تاریخی مکتوب و هم‌چنین نمونه‌های موجود، چراغ‌های گردسوز با حباب لاله‌شکل رایج‌ترین وسیله روشنایی جدید در دوره قاجار بوده و در آداب و رسوم زندگی اجتماعی مردم این دوره هم نفوذ یافته بود، به طوری که هویت نیمه‌ایرانی - نیمه‌فرنگی هنر آن روزگار را بیشتر در طرح و ساخت همین چراغ‌ها می‌توان ردیابی کرد. سازوکار سوخت‌رسانی و اشتعال چراغ‌های گردسوز کاملاً مشابه چراغ‌های لامپای فتیله‌ای بود. تنها تفاوت آنها در شکل فتیله و محل اشتعال و نورافشانی آنها بود که در چراغ لامپا فتیله به صورت دراز روشن می‌شد، اما در چراغ‌های گردسوز، چنان‌که از نامش پیداست، به شکل دَوْرانی و گرد شعله می‌گرفت. بدنه و پایه این چراغ‌ها معمولاً از جنس سرامیک، فلز، یا شیشه بود، اما مهم‌ترین قسمت چراغ‌های گردسوز که شاخصه اصلی آنها نیز محسوب می‌شد، حباب‌های شیشه‌ای لاله‌مانند آنها بود که به همین سبب به آنها لاله می‌گفتند. جنس این لاله‌ها و حتی بدنه بسیاری از چراغ‌های گردسوز از شیشه معروف به بارفتن بود که فناوری ساخت و تولید آن در دوره قاجار از اروپا به ایران وارد و اشیای بسیاری از قبیل گلدان و انواع ظروف و چراغ از آن ساخته شد که به کالاهای بلور بارفتن شهرت یافتند. علاوه بر لاله‌های معمول، نوعی لاله با ارتفاع بیشتر و جداره ضخیم‌تر هم در این دوره به کار می‌رفت که با عنوان «مردنگی» شناخته می‌شد. مردنگی حبابی بلورین به اندازه خمره متوسط با سر و تهی باز بود که هنگام نشستن در فضاهای آزاد مانند حیاط و ایوان آن را روی چراغ می‌نهادند.^{۲۸}

۲۷. اصطلاحی که در ایران به نوعی شیشه نیمه‌شفاف و ضخیم و منقوش و نیز بدل‌چینی اطلاق کرده‌اند؛ برای اطلاعات بیشتر، نک: شیشه‌گر، «بارفتن».

۲۸. فلور، ۱۸۵.

چنان که گفتیم، گونه‌های متنوعی از چراغ‌های گردسوز بلور بارفتن از دوره قاجار به جا مانده که صرف نظر از برخی استنهاها، می‌توان آنها را در چهار گروه پایه‌فلزی با لاله، پایه‌بلوری با لاله، پایه‌فلزی با مردنگی، و پایه‌بلوری با مردنگی دسته‌بندی کرد. نخستین نمونه از لاله آراسته بلورینی روی یک پایه فلزی مجلل با انواع تزیینات برجسته‌کاری فرنگی تشکیل شده است (تصویر ۱۵). این لاله بلور بارفتن در قسمت فوقانی به رنگ قرمز چشم‌نوازی مزین است که رو به پایین رفته‌رفته محو شده و از میانه کروی‌شکل آن کاملاً به بی‌رنگی رسیده است. سرتاسر بدنه حباب لاله‌ای با تکنیک تراش با نقوش برگ‌مانند آرایش یافته، تکنیکی که با ابزارآلات ابتدایی دوره قاجار با دشواری بسیاری به‌اجرا درمی‌آمده که همین به‌بالارفتن مخارج تولید و در نتیجه افزایش بهای تمام‌شده تولید این کالا منجر می‌شده است. نکته درخور توجه دیگر درباره این چراغ دوفتیل‌ای بودن آن است که از دو پیچ تنظیم فتیله سمت راست تصویر نیز می‌توان آن را دریافت. در واقع، در این نوع چراغ‌ها به جای فتیله گرد، برای تقویت نور از دو فتیله کنار هم استفاده و برای هر یک پیچ تنظیم جداگانه‌ای تعبیه شده است. پایه نقره‌ای این چراغ که سراسر با نقوش گل و برگ فرنگی برجسته‌کاری شده، با دو دسته به شکل جانوران گربه‌سان، از معدود نمونه‌های استفاده از حجم‌های حیوانی در چراغ‌های دوره قاجار است که به نظر می‌رسد بیشتر متأثر از هنر مغرب‌زمین باشد تا هنر گذشته ایران.

از گروه چراغ‌های پایه‌بلورین دو نمونه را می‌توان در نظر گرفت که بررغم اندک تفاوت‌های ظاهری، کاملاً از یک خانواده محسوب می‌شوند (تصاویر ۱۶-۱۷). یکی از آنها از لاله بلور بارفتن تراش‌خورده آبی رنگ روشنی تشکیل شده که با فتیله‌دانی برنجی به پایه بلورینی به رنگ‌های ملایم آبی و سفید پیوند خورده است. از میان لاله بلورین لوله شیشه‌ای باریکی افراشته شده که محافظ شعله و هدایت‌کننده دود آن بوده است.

در نمونه دوم طیف رنگی به قرمز گراییده است. در این اثر علاوه بر فتیله‌دان، پایه تحتانی هم از برنج ساخته شده و حباب آن کاملاً به شکل گل لاله درآمده است. این لاله

علاوه بر تزیینات تراش، به نقش گل و برگ هم آراسته است (تصویر ۱۷). از چراغ‌های پایه‌فلزی با مردنگی بلورین اثری در دست است که بررغم پایه نسبتاً ساده، مردنگی آراسته‌ای دارد (تصویر ۱۸). پایه این چراغ، استوانه‌ای برنجی است که در پایین با حلقه‌هایی تزیینی به صورت مخروطی درآمده است. مردنگی بلند این چراغ با تکنیک تراش تزیین و با طرح‌های اسلیمی منقش شده است. هم‌چنین بر بدنه این مردنگی، درون قابی ترنج‌مانند، نقش شیر شمشیربه‌دست و خورشید را می‌توان دید که یکی از کهن‌ترین نمونه‌های کاربرد این نقش در دوره جدید تاریخ ایران است؛ این نقش در سال‌های بعد، به‌ویژه از اوایل حکومت خاندان پهلوی، به نماد ملی ایران تبدیل شد.

پیش‌تر نیز گفتیم که استفاده از بلور بارفتن مختص چراغ‌های گردسوز نبود؛ زیرا سرپوش برخی چراغ‌های زنبوری نیز از همین جنس است. نمونه حاضر (تصویر ۱۹) چراغ زنبوری ساده‌ای از جنس استیل است که روی تور شعله آن با سرپوشی از جنس بلور بارفتن سفید به شکل کاسه وارونه پوشانده شده است.

برخلاف تصور رایج، مردنگی‌های دوره قاجار را الزاماً با بلور بارفتن نمی‌ساختند، چراکه نمونه‌ای از یک شمعدان با مردنگی از جنس نقره در دست است (تصویر ۲۰). در این اثر، پایه استوانه‌ای زیر سطحی مدور قرار گرفته که آویزهایی تزیینی از گرداگرد آن آویخته است. مردنگی آن نیز روی فتیله‌دان لاله‌مانند کوچکی جای گرفته و سرتاسر بدنه آن با نقوش هندسی مشبک‌کاری شده است.

حتی در سندی صادره از رکن‌الدوله به تاریخ ۲۱ رجب ۱۲۹۶ از لاله‌هایی از جنس سنگ مرمر هم این‌گونه سخن رفته است: «یک جار^{۲۹} دوازده لاله از سنگ مرمر سرخ کلات که خیلی امتیاز دارد و تا کنون این‌طور جار از سنگ مرمر ساخته نشده است».^{۳۰}

۲۹. چراغ‌های چندشاخه که به سقف آویزان می‌کردند.

۳۰. خراسان در اسناد امین‌الضرب، ۳۸۰.

چنان‌که در ابتدای این بخش گفته شد، چراغ بلور بارفتن با لاله و مردنگی از اثاث اصلی و حتی تجملی زندگی طبقه متوسط شهرنشین در ایران بود و روایت‌های تاریخی متعددی از حضور این‌گونه چراغ‌ها در زندگی مردم در دست است. عبدالله مستوفی وسایل اتاقی در منزل یکی از اشراف طبقه متوسط را این‌گونه وصف کرده است: «توی این طاقچه‌ها لاله‌های پایه بلور و شمعدان‌ها با مردنگی و لاله‌های فنری با کاسه لاله و حقه‌های سرپوش دار ... چیده شده و گاهی گذشته از طاقچه‌ها، رف‌ها هم به همین طورها مزین گشته بود... اینها تزیینات اتاق اندرون بود و اتاق‌های بیرونی از حیث در و طاقچه جز یک تُنگ رویی و یک کاسه‌بشقاب آبخوری و چند دانه لاله فنری و گاهی چلچراغ و دیوارکوب بلور اثاث دیگری نداشت».^{۳۱}

مونس الدوله هم درباره برخی مراسم عهد قاجار، به‌ویژه مراسم عروسی، چند گزارش آورده که نمونه‌هایی از آنها را برای تکمیل این مبحث می‌آوریم: «[در مراسم عقد] رو به قبله، سفره سفیدی پهن می‌کردند؛ آینه‌ای را که داماد فرستاده، آینه بخت بالای سفره می‌گذاشتند. دو «جار» یا «لاله» در دو طرف آینه قرار می‌دادند که در آنها یک شمع به اسم عروس و یک شمع به اسم داماد روشن می‌کردند... بعد، «پیه‌سوزی» از عسل و روغن روشن کرده، رویش یک تشت واژگون می‌نمودند... بعد هم مقداری «بلور بارفتن» مثل لاله و جار و چراغ پایه‌دار و کاسه و بشقاب چینی و شربت‌خوری و این جور چیزها که توی طاقچه‌ها می‌چیدند... حجله‌خانه باید یک اتاق صندوق‌خانه‌مانندی باشد که فقط یک در داشته باشد، پنجره هم نداشته باشد. چند تا لاله روشن می‌کردند که تا صبح بسوزد. [در مراسم عروسی] وقتی عروس را مثل یک عروسک، خوب خوشگل می‌کردند، او را می‌آوردند میان زن‌ها و بر سرش نقل و سکه زرد و نقره می‌ریختند و مراسم جلوه‌دادن شروع می‌شد. و اما مراسم جلوه‌دادن این‌طور بود که یک نوع شمعی به‌شکل پنجه دست درست می‌کردند که پنج انگشت داشت. یکی از زن‌های مولودی‌خوان فتیله‌های آن پنج انگشت را روشن می‌کرد و ته شمع را که به شکل میچ

دست بود، توی یک لوله مسی می‌گذازدند. زن مولودی‌خوان آن لاله را دست می‌گرفت و آن پنج شمع انگشت‌مانند را نزدیک عروس می‌برد و بالا و پایین می‌آورد و با صدای خوش اشعاری درباره زیبایی حضرت زهرا(ع) می‌خواندند و زن‌ها دست می‌زدند و این ترانه را تکرار می‌کردند: «ماه زمین و آسمان زهرای اطهر، دردانه گوهر».^{۳۲}

هم‌چنین مونس‌الدوله درباره استفاده از این چراغ‌ها در برخی مراسم مذهبی و مهمانی‌های قاجاری می‌نویسد: «شب‌های احیا قسمت زنانه مسجدها خیلی تماشا داشت... خود خانم [عزت‌الدوله، خواهر ناصرالدین‌شاه] روی قالیچه مخصوص می‌نشست. چندین «لاله» و «جار» چندشاخه و چراغ‌های «نسترن» اطراف او روشن بود... بعضی از خانم‌های درجه اول آن زمان‌ها ندیمه‌هایی داشتند که مثنوی را خوب می‌خواندند و آنها را ننه‌درویش می‌گفتند. در شب‌های بلند زمستان این خانم‌ها توی تالار زیر کرسی شش‌پایه می‌نشستند... چلچراغ و جار و چراغ‌های نفتی آن‌قدر نور داشت که تالار مثل روز روشن می‌شد... یک لاله مخصوص توی سینی روی کرسی برای ننه‌درویش گذاشته بودند».^{۳۳}

با این همه، به نظر می‌رسد در اواخر دوره قاجار استقبال از وسایل روشنایی سنتی رو به افول نهاده بود، چنان‌که در گزارشی به تاریخ ۱۳۰۵ هـ، از حاج ابوالقاسم ملک‌التجّار می‌خوانیم: «چلچراغ باب این ولا^{۳۴} نیست. چراغ یک‌لاله دولاله سه‌لاله باشد، فروش می‌رود، خوب هم فروش می‌رود. دیوارکوب یک‌شاخه دوشاخه هم خوب است... جار و چهل-چراغ این جا مصرف نمی‌شود».^{۳۵}

۳۲. مونس‌الدوله، ۳۹، ۴۴، ۵۰، ۵۶.

۳۳. همو، ۱۵۳، ۲۶۶.

۳۴. گاه، زمان.

۳۵. خراسان در اسناد امین‌الضرب، ۳۶۸.

برآیند و بازنگری

شواهد و مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که در اوایل دوره قاجار، انواع پیه‌سوزها، چراغدان‌ها، چراغپایه‌ها، و شمعدان‌ها با الگوپذیری از طرح‌های کهنی که قدمت آنها گاه به دوران پیش از اسلام می‌رسید، هم‌چنان با همان کیفیت و زیبایی ساخته می‌شد. اما با سرازیر شدن تولیدات خارجی از یک سو و حضور ایرانیان در خارج از کشور، به‌ویژه اروپا، و مشاهده سبک زندگی و اثاث مورد استفاده غربیان، تولید تجهیزات روشنایی تا حد زیادی متحول و انواع جدیدی از این وسایل با طرح‌ها و تزئیناتی که در تاریخ ایران بی‌سابقه بود یا وارد و یا در داخل کشور تولید شد. کثرت این وسایل و سهولت دسترس به آنها، کاربردشان را روز به روز در بین ایرانیان بیشتر کرد، چه بی‌تردید طبقه متوسط و فرودست جامعه ترجیح می‌داد به جای استفاده از پیه‌سوزی که نه نور چندان و نه ظاهری چشم‌گیر داشت، از انواع چراغ موشی یا چراغ زنبوری و لامپا برای تأمین روشنایی خانه‌شان بهره بگیرد که هم پرنورتر و هم زیباتر بودند.

تولید تجهیزات روشنایی فرنگی به ابزارهای کاربردی عمومی منحصر نماند و به ساخت آثاری تجملی و زینتی گران‌قیمت هم کشیده شد. شمار زیادی از انواع چراغ‌های لامپای سفالین و فلزی و شمعدان‌های تجملی به‌جا مانده است که سازندگانشان نهایت سلیقه هنری را به کار گرفته‌اند. در واقع هنرمندان عهد قاجار با ذوق و ذکاوت شخصی دریافته‌اند که می‌توان از طراحی و تزئینات آثار وارداتی در جهت تولید محصولات زیبا و قابل رقابت با نمونه‌های خارجی بهره گرفت و بازار داخلی را از تسلط کالاهای بیگانگان خارج کرد. این‌گونه تلاش‌ها از مرز تقلید و الگوبرداری از چراغ‌های خارجی گذشت و به مواد مورد استفاده در ساخت وسایل روشنایی هم نفوذ کرد. نمونه شاخص این مورد، به‌کارگیری بلور بارفتن در ساخت ابزارهای روشنایی بود که در اواخر دوره قاجار به گسترشی حیرت‌انگیز رسیده بود. نفوذ این تجهیزات جدید در زندگی روزمره به آنجا رسید که برای استفاده از آنها آداب و رسوم و قول و نقل‌های زیادی در بین مردم متداول شد و زمان و مکان و طرز کاربرد هر چراغ مقدمات و ترتیبی خاص یافت. در هر صورت، روند طراحی

و تولید انواع تجهیزات روشنایی، چه به شیوه سنتی و چه با الگوپذیری از نمونه‌های وارداتی، در دوره قاجار هم‌چنان تداوم داشت تا آن‌که با منابع تأمین انرژی جدید هم‌چون گاز و سپس برق، رفته‌رفته به رکود گرایید و از رونق افتاد.

کتابشناسی

بختیاری، امیر هوشنگ، «منصب چراغچی‌باشی در عتبات عالیات»، تاریخ اسلام، ش ۱۵، پاییز ۱۳۸۲. بروگش، هینریش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه مهندس کُردبچه، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۸ ش.

خراسان در اسناد امین‌الضرب (سال‌های ۱۲۸۲-۱۳۵۱ق)، به اشراف ایرج افشار، به کوشش نرگس پدram و مژده مهدوی، تهران، ثریا، ۱۳۹۰ ش.

شهری، جعفر، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم: زندگی، کسب و کار، تهران، رسا، ۱۳۶۸ ش. شیشه‌گر، آرمان، «بارفتن»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، زیر نظر سیدمصطفی میرسلیم، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

فلور، ویلم، صنایع کهن در دوره قاجار، ترجمه علی‌رضا بهارلو، تهران، پیکره، ۱۳۹۳ ش. عضدالملک، علیرضا، سفرنامه عضدالملک به عتبات، به کوشش حسن مرسلوند، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۰ ش.

گزارش‌های نظامیه از محلات طهران، راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافة (۱۳۰۳-۱۳۰۵ق)، به-کوشش انسیه شیخ‌رضایی و شهلا آذری، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۰ ش.

مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران، زوّار، ۱۳۷۷ ش. مونس‌الدوله، خاطرات مونس‌الدوله ندیمه حرم‌سرای ناصرالدین‌شاه، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران، زرین، ۱۳۸۰ ش.

نجمی، ناصر، طهران عصر ناصری، تهران، عطار، ۱۳۶۴ ش.

ویلس، چارلز جیمز، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، تهران، زرین، ۱۳۶۳ ش.

Fehervari, Geza, *Ceramics of Islamic World in the Tareq Rajab Museum*, New York, I.B. Tauris & co Ltd, 2000.



تصویر ۱. پیه‌سوز پایه‌دار سفالی با لعاب فیروزه‌ای، دوره قاجار، قم، موزه آستانه مقدسه (عکس از نگارنده)



تصویر ۲. پیه‌سوز سفالین از دوره هخامنشی (۵۸۷-۳۳۳ ق.م)، بلندا ۴/۵ سانتی‌متر، پهنا ۱۳/۵ سانتی‌متر (فهروری^{۳۶}، تصویر ۳۱)



تصویر ۳. شمعدان‌های استوانه‌ای برنجی با تزیینات اسلیمی مشبک و کتیبه‌های نستعلیق، دوره قاجار، مشهد، موزه آستان قدس رضوی (عکس از نگارنده)



تصویر ۴. چراغدان برنجی با درپوش گنبدی و تزیینات گیاهی و هندسی متقارن، دوره قاجار، قم، موزه آستانه مقدسه (عکس از نگارنده)



تصویر ۵. چراغدان زرین با تزیینات برجسته‌کاری و کتیبه‌های نستعلیق، ۱۲۶۰ق، مشهد، موزه آستان قدس رضوی (عکس از نگارنده)



تصویر ۶. چراغدان زرین مرصع با عقیق‌های رنگی و کتیبه‌های نستعلیق، سال ۱۲۳۰، قم، موزه آستانه مقدسه (عکس از نگارنده)



تصویر ۷. چلچراغ برنجی با میله بلند و پایه دو طبقه و دو مخزن با ده جاقتیله‌ای، دوره قاجار، قم، موزه آستانه مقدسه (عکس از نگارنده)



تصویر ۸. شمعدان مفرغی، حدود سده ششم هجری، تهران، بخش اسلامی موزه ملی ایران (ش ۷۷۵۴)



تصویر ۹. چلچراغ برنجی ده شاخه، ارتفاع ۱۹۸ سانتی متر، قطر پایه ۵۸ سانتی متر، قم، دوره قاجار، موزه آستانه مقدسه (عکس از نگارنده)



تصویر ۱۰. چراغ موشی سرامیک با حباب شیشه‌ای و شعله‌دان برنجی، دوره قاجار، مجموعه خصوصی



تصویر ۱۱. چراغ زنبوری برنجی، دوره قاجار، مجموعه خصوصی



تصویر ۱۲. چراغ لامپا از ترکیب سرامیک لعاب‌دار و برنج با تزیینات برجسته‌کاری، دوره قاجار، قم، موزه آستانه مقدسه (عکس از نگارنده)



تصویر ۱۳. چراغ لامپای شیشه‌ای و برنجی، دوره قاجار، قم، موزه آستانه مقدسه (عکس از نگارنده)



تصویر ۱۴. فانوس آویز (لنتر) نقره‌ای با تزیینات مشبک و برجسته‌کاری، دوره قاجار، مشهد، موزه آستان قدس رضوی (عکس از نگارنده)



تصویر ۱۵. چراغ دوفتیله با لاله بلور بارفتن تراش خورده و پایه نقره‌ای با تزیینات گیاهی برجسته‌کاری، دوره قاجار، مشهد، موزه آستان قدس رضوی (عکس از نگارنده)



تصویر ۱۶. چراغ بلور بارفتن با لاله تراش خورده و پایه منقوش و لوله محافظ شعله، دوره قاجار، مشهد، موزه آستان قدس رضوی (عکس از نگارنده)



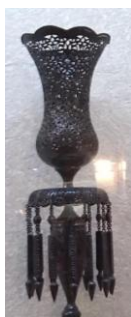
تصویر ۱۷. چراغ بلور بارفتن با لاله و پایه منقوش و فتیله‌دان و پایه برنجی، دوره قاجار، قم، موزه آستانه مقدسه (عکس از نگارنده)



تصویر ۱۸. چراغ پایه‌فلزی با مردنگی مزین به نقوش اسلیمی و نشان شیر و خورشید، دوره قاجار، قم، موزه آستانه مقدسه (عکس از نگارنده)



تصویر ۱۹. چراغ زنبوری با کلاهک بلور بارفتن، دوره قاجار، مشهد، موزه آستان قدس رضوی (عکس از نگارنده)



تصویر ۲۰. شمعدان نقره‌ای مشبک با مردنگی، دوره قاجار، مشهد، موزه آستان قدس رضوی (عکس از نگارنده)